



ir-powerpoint.ir

کتابخانه مجازی  
پاورپوینت

# تربیت اخلاق



# فصل اول

کلیات

# دانش اخلاق

**دانش اخلاق** عهده دار بیان ارزشها و ضد ارزشها، و خوبها و بدها است. اخلاق، رفتار و صفات اختیاری انسان را ارزشگذاری می کند و نظام شایسته و ناشایست را تعیین می کند.

**تربیت اخلاقی**، فرایند درونی شدن ارزش های و شکل گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگیهای انسان

کامل اخلاقی را برعهده دارد. «تربیت اخلاقی»، مسیر گذار از وضعیت موجود به سوی قله کمال را نشان می دهد

و به انسان کمک میکند تا سیمای آرمانی و صورت ایده ال انسان اخلاقی را در وجود خود پدید آورد.

«تربیت اخلاقی» تحقق عینی مکارم اخلاق و تجلی بارز همه آموزه هایی است که دانش اخلاق بدان فرا می خواند.

(عالم زاده، نوری، ۱۳۸۹)



# مؤلفه های هوش اخلاقی بوربا

خانم میکلہ بوربا با جمع آوری شواهد، تحقیقات و نمونه های عملی، مفهوم هوش اخلاقی را در قالب پرورش هفت فضیلت مطرح کرده است. این فضایل عبارتند از: همدلی، وجدان، خویشتن داری، احترام، مهربانی، بردباری، و انصاف.

۱. **همدلی:** احساس اخلاقی بنیادینی است که درک احساسات دیگران را برای فرزندان (فرد) امکان پذیر می سازد.
۲. **وجدان:** یک ندای درونی قوی است که به کودک (فرد) در تصمیم گیری در امر درستی و نادرستی، کمک می کند و باعث می شود او در مسیر اخلاق باقی بماند و در صورت انحراف، احساس گناه بر او چیره شود. این خصیصه سنگ بنای تقویت خصایلی بنیادین مانند صداقت، مسئولیت پذیری و امانتداری است.
۳. **خویشتن داری (خودکنترلی):** به فرد در مهار کردن امیال نفسانی اش یاری می رساند و نیز موجب می شود که او پیش از مبادرت به هر عملی، فکر کند و در نتیجه، به گونه ای صحیح رفتار می کند و احتمال کمتری دارد که به انتخاب های عجولانه ای دست بزند که پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد. این فضیلت کمک می کند تا به خود متکی باشد؛ زیرا می داند که قادر به مهار اعمالش هست. همچنین فضیلتی است که بخشندگی و مهربانی را بر می انگیزد؛ زیرا کمک می کند تا لذت آنی را کنار بگذارد و به جای آن، وجدانش برای کمک به دیگران بر انگیزته شود.
۴. **احترام:** فرد را تشویق می کند تا به علت آنکه احترام به دیگران را ارزشمند می داند، با دیگران با ملاحظه رفتار کند. این ویژگی فرد را وادار می سازد تا با دیگران به گونه ای رفتار کند که دوست دارد با خودش رفتار شود و به همین سبب، اساس پیش گیری از خشونت، بی عدالتی و نفرت را پایه گذاری می کند.





# فصل دوم

رویکردهای تربیت اخلاقی

بر اساس نقدهای مطرح شده، بسیاری از مربیان، در پی یافتن رویکردها و روش‌های جدید تربیت اخلاقی و ارزشی برآمدند. روش‌هایی که دانش‌آموزان به واسطه آن بتوانند **اولاً**، معنای واقعی متون را بفهمند. **ثانیاً**، علایق و نیازهای یادگیرندگان را ارضا نماید. **ثالثاً**، یادگیرنده بتواند آنها را در زندگی خود اعمال کند. **رابعاً**، شنوندگان و مشتاقان بیشتری را به خود جذب نماید.



از جمله روش‌هایی چون :

مشارکت در خطابه و مطالعه گروهی،

طرح‌های دانش‌آموز محور،

برنامه‌های مبتنی بر عمل اجتماعی،

برنامه‌های نمایشی،

رویکردهای چندابزاری چند رسانه‌ای (Multimedia) و رادیو و تلویزیون.



# فصل سوم

روش های تعلیم و تربیت اخلاقی

**اول : معرفی الگو:** یکی از شیوه های ایجاد محیط تربیت مساعد، پدید آوردن الگوهای شایسته در آن محیط و کنار زدن الگوهای ناشایست است. وجود الگوهای محبوب در جامعه، به خودی خود، افراد آن محیط را به سوی آنان سوق می دهد و دیگران از مکارم اخلاقی ایشان، الگوبرداری می کنند.

**دوم : انتخابگری در الگوهاست.** قرآن با طرح چهره های محبوب و منفور در کنار هم، جامعه انسانی را به گزینش آگاهانه الگوهای مورد نظر خویش دعوت می کند. حتی در مورد پدران و گذشتگان نیز هشدار می دهد که بدون آگاهی با پیروی کورکورانه از آنان، زندگی خود را تباه نکنید.





# فصل چهارم

تربیت اخلاقی از طریق تربیت نفس

شخص متربی با خودشناسی، به هدف تعلیم و تربیت به منزله امری کمالی و واقعی، و نه امری تنازلی، خیالی و اعتباری نگاه می‌کند. به همین دلیل، به جست‌وجوگری برای شناسایی مسیر منتهی به کمال از طریق مکتب انبیاء اقدام می‌کند؛ همچنین برانگیخته می‌شود تا فعالیت گسترده‌ای را در صعود به مراتب کمالی داشته باشد و به موجودی بدون انگیزه، بی‌حوصله و ناامید تبدیل نشود؛ بلکه با توجه به ادراک واقعیت کمال‌خواهی خویش، برای تحول درونی و تغییر واقعی از نقص به کمال، برنامه‌ریزی و تلاش جدی خواهد کرد؛ زیرا سرنوشت مطلوبش به میزان کوشش و جدیتش بستگی دارد.

مربی در هدایت افراد مورد هدایت (متربی) با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف افراد، محیط را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که رفتارها و حالات مناسب با فطرت پاک انسانی شکوفا شوند. افزون بر تنظیم محرک‌های محیطی، مربی با استدلال و بیدارسازی افراد و تسهیل پرورش معنوی، افراد را در جهت کمال معنوی هدایت می‌کند. در حقیقت، کسی که به مطالعه درون می‌پردازد و با هدایت الهی و راهنمایی‌های انبیاء به خودشناسی می‌پردازد در خویش می‌یابد که رابطه ناگسستنی شناختی، گرایشی و عاطفی با پروردگار دارد؛ کمال‌خواه و ارتقاطلب و آزادی‌خواه است و تمایل به رهایی از هرگونه قید و بند و موانع نیل به کمال در او وجود دارد؛ به خیر و خوبی و فضیلت‌خواهی گرایش دارد و حق‌پذیر است؛ حقیقت‌جو است و دوست دارد از هر چیزی آگاه شود و امکان ادراک صحیح واقعیت را در خود می‌یابد؛ زیبایی را دوست دارد؛ جاویدخواه است و سعادت و خوشبختی همیشگی را جست‌وجو می‌کند؛ دارای حب ذات است و دوست دارد به دیگران نیز محبت کند؛ عزت‌خواه، و نوع‌دوست، لذت‌خواه و آرامش‌طلب است و از درد و الم، اضطراب و ناراحتی فرار می‌کند. مختار، انتخاب‌گر و مسئولیت‌پذیر است. استقلال‌خواه است و وابستگی به دیگران را دوست ندارد. تمایل به خودفعالی دارد و تنبلی و سستی را دوست ندارد. تمایل به خودشکوفایی، تربیت، تغییر و هدایت‌پذیری را در خود احساس می‌کند. خود را عاقل، متفکر، خلاق، منطقی و دارای توانمندی می‌داند؛ خود را برای کسب تجربه توانمند می‌بیند؛ چندبعدی بودن خویش را ادراک می‌کند؛ در می‌یابد که هویت واقعیش به روح او است؛ برای خویش نسبت به جمادات و حیوانات کرامت قائل است و توانمندی کرامت اکتسابی را در خود می‌یابد. بر تأثیرپذیری از بیرون خود و تأثیرگذاری بر محیط، هر دو واقف است. می‌فهمد شخصیتش به تدریج و در طول زمان شکل می‌گیرد. خوبی و بدی را از یکدیگر کاملاً تشخیص می‌دهد، و اینها همه بازتاب‌های تربیتی خودشناسی است.